

استاد نصر هورینی

از طلایه داران عرصه تحقیق کتب میراث اسلامی^۱

دکتر رزوق فرج رزوق

ترجمه: حسین علینقیان

درآمد

عرب‌ها نسبت به میراث مدون خود اهمیت بسیاری قائل می‌شده، در این راستا از وسایل احیا و تصحیح، بهره برده‌اند. آنها سخت مشغول استنساخ کتاب‌ها و اسفار شدند و کار دانشمندان و دانش پژوهان را در انتشار کتاب‌هایی با محتوای علوم و فنون و ادبیات، تسهیل نمودند.

ناسخین اهل علم و درایت و امانت، در استنساخ کتاب‌ها بیشترین دقت را در ضبط و نیکویی در خط اعمال کردند و در پاکسازی متون این کتاب‌ها از خطاهای تصحیف و تحریف به جد کوشیدند؛ ضمن آن که همواره تا عصرهای متمادی بر این شیوه ماندند؛ یعنی از بدو تاریخ نگارش عربی تا مطلع دوران جدید در اوایل قرن نوزدهم، یعنی زمانی که صنعت چاپ جایگزین استنساخ شد و دوره ناسخین به سر رسید.

اولین چاپخانه‌ای که وارد مصر شد، توسط ناپلئون بناپارت پس از حمله به آنجا، بنا گردید و در کنار انتشار تعداد زیادی از منشورات، مطبوعاتی عربی همچون تمارین للقراء العربیه الفصیحه و الهجاء العربی والترکی و الفارسی به چاپ رسید. در سال ۱۸۲۱ محمدعلی، چاپخانه بولاغ را راه‌اندازی نمود؛ چاپخانه‌ای که در انتشار آثاری در علوم و ادبیات و فنون مختلف در نهضت فکری مصر جدید سهم به‌سزایی ایفا کرد. با وجودی که هدف اولیه از تأسیس این چاپخانه، انتشار کتاب نبود، اما به سرعت در رأس امور چاپخانه قرار گرفت و بسیاری از کتب نظامی - به ویژه کتب آموزش نظامی - و آن‌گاه کتب فرهنگی اسلامی دینی و ادبی انتشار یافت.^۲

با گذشت زمان، انتشار کتب خطی میراث، گسترش یافت و لذا به تصحیح گرانی بزرگ که نسبت به لغت و زبان آگاه بوده، با مضامین کتب پیشین و شیوه‌های تألیف آنها آشنا بوده، نسبت به تحقیق و توثیق متون، خیره بودند، احساس نیاز شد. تصحیح متون، «فنی ریشه‌دار در زبان عربی بوده که بیشتر در بررسی روایات کتب حدیث، لغت، شعر، ادب و تاریخ که توسط قدمای ما با کمال دقت و امانت و روشی برجسته به انجام رسید، متجلی می‌شود»؛^۳ کاری که به علت افزودن اطلاعات جدید در آن متون و روشن نمودن پندارهای غلط ناسخین و وراقین و تعیین تصحیفات و تحریفات آنها و مقابله آن متون با نسخه‌های خطی دیگر و مصدربیابی آنها، به انجام رسید.

تصحیح گران چاپخانه بولاغ، از جمله استادان قطعه عدوی، نصر هورینی، محمدحسن عدوی، احمد عدوی و محمد صباغ و استادان پس از آنها همچون: محمد حسینی و محمد عبدالرسول، در این خدمت سترگ فرهنگی و تراثی، فضل بزرگی دارند؛ برای مثال تصحیح فرهنگ القاموس المحیط (چاپ قاهره، چاپخانه حسینیه سال ۱۹۱۱) نمونه

۱. این نوشتار برگردان مقاله‌ای است با مشخصات کتاب شناختی ذیل:

الشیخ نصر هورینی؛ من رواه مصححی کتب التراث؛ الدكتور رزوق فرج رزوق (کلیه الآداب جامعه بغداد)، مجله المورد، مجلد ۱۲، الجزء ۳، ۱۴۰۳ هـ/ ۱۹۸۳ م ص ۱۵۲-۱۶۰.

۲. ر. ک به: الدكتور ابو الفتح رضوان؛ تاریخ مطبوعه بولاغ و لمحہ فی تاریخ الطباعة فی بلدان الشرق الاوسط؛ القاهرة، ۱۹۵۳، ص ۱-۴۲.

۳. عبدالسلام هارون؛ «احیاء التراث و ماتم فیه»؛ مجله «المجله»، العدد ۱۱۴. القاهرة، ۱۹۶۶، ص ۲۰.

خوبی از یک تصحیح دقیق و امینی است که مصححان مسئولیت آن را به دوش گرفتند. استاد نصر هورینی نقش بزرگی در تصحیح و انتشار این معجم ایفا نمود که می توان تلاش وی را در این راستا به ترتیب ذیل برشمرد:

۱. تصحیح را با شرح دیباچه قاموس آغاز کرده، نوشته است: «این شروحنی است بر دیباچه قاموس که آن را نویسنده فقیرش، نصر هورینی براساس دو شرح علامه مناوی و سیدمرتضی تدوین نموده است. بر این دیباچه حدود پنجاه جزوه کوچک از قرافی با نام القول المانوس بشرح مغلق القاموس» ملاحظه کردم، اما شرح عیسی بن عبدالرحیم گجراتی (قاضی گجرات) را جز از شرح مرتضی، درنیافتم و شرح ابن طیب بر آن شامل چهارده جزوه می شود که در ضمن حاشیه بر قاموس در غالب بیش از سه مجلد که در هر مجلد شصت کراس می شود، مندرج بود.^۴

۲. پس از این شرح، چنانچه خود گفته: «نکات و فوایدی شریف و قواعدی لطیف در شناخت اصطلاحات قاموس می آید که آنها را فقیر، ابوالفاء هورینی جمع آوری کرده است» و در ادامه آورده است: این معلومات را از حاشیه قاموس علامه ابن طیب فاسی گلچین کرده است. وی در ضمن این معلومات، شرح حالی از مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی - مؤلف قاموس - به دست داده است.^۵

۳. در تصحیح قاموس بر تعدادی نسخه خطی از آن، تکیه کرده، در شرح دیباچه قاموس به آنها اشاره کرده است: الف) «نسخه ملک ناصر صلاح الدین بن رسول، پادشاه یمن، به خط محدث لغوی ابوبکر بن یوسف بن عثمان حمیدی و در آن دستخط مؤلف آمده است».

ب) «نسخه صحیح مکی».

ج) «نسخه نقیب الاشراف سید محمد بن کمال الدین حسینی دمشقی که آن را به اصول شرقی تصحیح کرده است».

د) «نسخه استادمان امام رضی الدین مزجاجی».

ه) «نسخه میرزا علی شیرازی».

و) «نسخه استاد ابوحسن علی بن غانم مقدسی».

۴. در این تحقیق به منابع لغوی دیگر مراجعه کرده است. از جمله این منابع - که در شرح دیباچه قاموس از آن یاد کرده است - موارد زیر است:

الف) المحکم ابن سیده؛

ب) حاشیه ابن طیب فاسی بر قاموس؛

ج) حاشیه بدرالدین محمد بن یحیی قرافی با عنوان «القول

المانوس بتحریر مافی القاموس»؛

د) شرح سیدمحمد مرتضی زبیدی؛

ه) شرح عیسی بن عبدالرحیم گجراتی بر خطبه قاموس؛

و) شرح محمد بن عبدالرؤف مناوی.

۵. بر بسیاری از مواد لغوی قاموس، تعلیقاتی زده است که شامل فواید و اطلاعاتی در مجال لغت و ضبط اعلام می شود. مثال هایی از این تعلیقات در ادامه می آید:

«بکات الناقه ... قل لبئها» قوله بکات الناقه وكذا يستعمل فی العين اذا قل معها. اه نصر (ماده بکا). بکات الناقه یعنی شیر ناقه کم شد. و در مورد چشم، هنگامی که اشکش کم شود نیز به کار می رود (از افادات نصر [هورینی]). «والراء شجر واحد ته بهاء ...». قول: راء شجر است؛ یعنی درخت طلح (افاده نصر [هورینی]، ماده روا) [...].

و ممدود بن عبدالله الواسطی الربابی یضرب به المثل فی معرفة الموسيقى بالرباب: لفظ موسیقی در نسخه ها به اشتباه به کسر قاف آمده است.

علت این اشتباه، نوشتن کلمه یاد شده به یاء است. درست این کلمه فتح قاف بوده، چنانچه در زبان رومی آمده است به شخصی که در آلت رباب دستی دارد، گفته می شود «موسیقار»؛ یعنی را در آخر کلمه اضافه می شود. افاده نصر (ماده رب) [...].

۶. به تعلیقات و شروح خود، همچنین گزیده هایی از آرای شارح القاموس المحيط، یعنی سیدمرتضی زبیدی^۶ و حاشیه نویس قاموس، یعنی ابن طیب فاسی،^۷ در حواشی آن اضافه کرده است.

القاموس المحيط؛ تصحیح استاد نصر، برای اولین بار در چاپخانه بولاق مصر به سال ۱۲۷۲ هـ در قالب دو جلد به چاپ رسید؛ چاپ دوم آن در همان چاپخانه در سال ۱۲۸۹ هـ و چاپ چهارم آن در چاپخانه حسینیه در قاهره در سال ۱۳۳۰ هـ

۴. القاموس المحيط؛ القاهرة: المطبعة الحسينية، ج ۱، ۱۹۱۱، ص ۱-۲۹.

۵. همان، ج ۱، ص ۱-۱۲.

۶. از او با نام شارح یاد می کند. نام او را فقط یک بار در جلد یک، صفحه هشت آورده است.

۷. از او با نام «محشی» یاد کرده است. در جلد یک، صفحه دو آورده است: «بدان هنگامی که عبارت حاشیه یا محشی را به کار بردم، منظور امام فاسی و حاشیه اوست».

سال ۱۲۹۱ هـ / ۱۸۷۴ م رخ داده است.^{۱۱}

خیرالدین زرکلی ترجمه کوتاهی از وی که معمولاً در مراجع تکرار شده، به دست داده، جز این، نام هورینی را به طور کامل آورده است و نوشته است: «تمامی منابع به ذکر نام او به ابوالوفاء نصر هورینی و آثار و تعلیقات زیاد وی اشاره کرده، او را شناسانیده اند. پس از بررسی بسیار، به نسخه ای از خلاصه البیان فی کیفیته ثبوت رمضان از محمد جوهری دست یافتیم که آن را هورینی با خط خودش در سال ۱۲۴۲ هـ نگاشته بود و ذیل آن اسم خود و پدر و کنیه و القابش را برشمرده بود. از این دست نوشته، این شرح حال را برگرفته ام. نسخه در دارالکتب المصریه به شماره ۳۴۴ (فقه امام شافعی) نگاهداری می شود».^{۱۲}

جرجی زیدان از او در ذیل دانشمندان نهضت اخیر (از سال ۱۸۰۵ تا اوایل قرن بیستم) در مصر و سوریه، یاد کرده، گزارش مختصری از زندگانی، سال وفات و اقامتش در فرانسه و دو کتاب او المطالع النصریه و تسلیة المصاب ارائه کرده است.^{۱۳} دکتر ابو الفتح رضوان متن وثیقی نقل کرده که شامل اسامی مصححین در چاپخانه بولاق در سال ۱۸۶۱ می باشد. در این متن، نام شیخ محمد نصر مصحح دوم، در کنار اسامی مصححان دیگر همچو استاد محمد حسن عدوی، استاد احمد عدوی، استاد محمد صباغ، استاد محمد عیاط، استاد احمد مصرفی، استاد محمد شحات، استاد اسماعیل عبدالله و استاد محمد قطه (رئیس مصححین) آمده است.^{۱۴}

همچنین متن وثیقی دیگری نقل کرده است که در آن، عناوین و وظایف چهار نفر از بارزترین آن مصححین آمده است؛ یعنی استاد محمد قطه، استاد احمد عدوی (مصحح دوم کتب عربی)، استاد محمد حسن عدوی (دستیار محمد قطه) و استاد

به انجام رسید.^۸ چاپ چهارم قاموس (چاپخانه حسینی) شامل حواشی ای توسط محمد حسینی است؛ به انضمام شروح زبیدی و حواشی ابن طیب فاسی و تعلیقات و حواشی استاد نصر [...].

ترجمه و شرح حال استاد نصر

این استاد محقق و پژوهشگر فاضل، چنانچه بایسته است مورد شناخت و بررسی قرار نگرفته است و توانایی های او در زمینه های تحقیق، تصحیح و چاپ و نشر، آشکار و برجسته نشده است؛ منابعی که به شرح حال او پرداخته جز اخبار کمی از وی نیاورده و صرفاً به نام و سفرش به فرانسه در زمان محمد علی پاشا همراه با گروه علمی مصر اکتفا کرده، به تصحیحات و تألیفات و سال وفاتش اشاره کرده اند.

علی مبارک به ایجاز درباره او سخن گفته، در ضمن سخن در باب درب و راقه از خیابان مرجوش آورده است: «در حال حاضر این دربی است کوچک که در آن برخی از تجار سکنی دارند ...، همچنین در داخل آن، منزل استاد نصر هورینی شافعی مؤلف المطالع النصریه فی فن الرسم، قرار دارد؛ همو که در زمان عزیز محمد علی به فرانسه رفته، با گروه مصری مدتی را در آنجا سپری کرد و پس از بازگشت در این باب تا پایان عمر زندگی کرد [رحمت الله علیه]».^۹

اسماعیل پاشا اشاره کوتاهی از او کرده، آورده است: «هورینی - ابوالوفاء نصر هورینی مصری، ادیب شافعی متوفای سال ۱۲۹۱. از تألیفات او: تسلیة المصاب عند فراق الاحباب؛ التوسل علی نظم الاسماء الحسنی از دردیر؛ شرح العینین فی شرح عنین؛ المطالع النصریه للمطالع المصریه فی الاصول الخطیبه» می باشد.^{۱۰}

عباس عززوی به تصحیحات لغوی او اشاره کرده، چنین نوشته است: «استاد نصر هورینی، در لغت، استاد معروفی است. مهم ترین کارهای او تصحیح مشهورترین تألیفات لغوی است و این خدمتی بزرگ است که بر تألیف برتری دارد. از جمله اشرف او بر تصحیح القاموس المحيط و شرح دیباچه آن است. نیز قواعد دقیقی در شناخت اصطلاحات قاموس در آغاز آن نوشته و کتاب الوشاح را تصحیح نموده است. وفات او به

۸. القاموس المحيط، قبل از چاپ بولاق در کلکته هند در قالب چهار جلد بزرگ از سال ۱۲۳۰ هـ تا ۱۲۳۲ هـ با اشرف استاد ماتیو و تصحیح برخی استادان و ادبا چاپ شده بود. ر. ک به: یوسف الیان سرکیس؛ معجم المطبوعات العربیه والمغربیه؛ ج ۲، القاهرة، ۱۹۲۸، ص ۱۴۷۰-۱۴۷۱.

۹. الخطط التوفیقیه؛ ج ۲، ص ۸۵.

۱۰. هدیة العارفین؛ استانبول، ج ۲، ۱۹۵۱-۱۹۵۲، ص ۴۹۲.

۱۱. تاریخ الادب العربی فی العراق؛ ج ۲، بغداد، ۱۹۶۰-۱۹۶۴، ص ۶۶-۶۷.

۱۲. الاعلام - قاموس تراجم؛ چاپ دوم افست، بیروت، ۱۹۶۶.

۱۳. تاریخ آداب اللغة العربیه؛ ج ۴، بیروت، ۱۹۷۸، ص ۵۹۹.

۱۴. تاریخ مطبوعه بولاق ولمحة من تاریخ الطباعة فی بلدان الشرق الاوسط؛ القاهرة، ۱۹۵۳، ص ۴۱۱-۴۱۲.

محمد نصر (دستیار دوم). ۱۵

احمد عزت عبدالکریم گفته است: شیخ هورینی با دوستانش کتاب‌هایی را که مترجمان از زبان‌های خارجی به ویژه از فرانسه به عربی ترجمه می‌کردند، تصحیح می‌نمود. او این مهم را زمانی پایان داد که به عنوان سرپرست گروه علمی «انجال» که در سال ۱۸۴۴ به فرانسه اعزام شدند، تعیین شد. این گروه بدین سبب به انجال نامیده شد که در بین آنها، دو نفر از فرزندان محمدعلی و دو نوه او حضور داشتند.^{۱۶}

دکتر محمدکامل فقی به مکان تولد استاد نصر در هورین (از توابع سنطه) اشاره نموده، از آموختن و سپس تدریس او در الازهر و انتخاب او به عنوان مصحح / ویراستار در آکادمی زبان‌ها و سرپرستی گروه اعزامی به فرانسه و فراگیری زبان فرانسه در آنجا و بازگشت از فرانسه و تدریس مجدد در قاهره و در پایان، پیوستن او به چاپخانه امیریه به عنوان مشهورترین و باکفایت‌ترین مصححین آن یاد کرده است.^{۱۷}

احمد فارس شدياق، استاد نصر و تعلیقات او بر هامش القاموس المحيط را تجدید نموده، در بابتی از ابواب کتابش الجاسوس علی القاموس می‌نویسد: «بیشترین این نقدها از تعلیقات علامه دوران، مرحوم مبرور استاد نصر هورینی بر هامش قاموس چاپ مصر مأخوذ است ... خداوند بهترین پادشاه را نصیب این استاد کناد. چه بسیار تحقیقاتی که در لغت به انجام رسانیده و سینه‌ها به یقین آن وسعت یافته، باریک بینی‌هایی که نور از تلقی آن، روشنی یافته است ...».^{۱۸}

عبدالسلام هارون در اثنای اشاره به کتب، نگارش و املا، کتاب المطالع النصرية او را ستایش و تعریف کرده، آورده است: «از جامع‌ترین کتاب‌ها در این موضوع، المطالع النصرية اثر استاد نصر هورینی است».^{۱۹}

در جایی دیگر همچنين او را ستوده، به نسخه‌های چاپ شده‌ای که فاقد اصول بوده و یا سهل الوصول نبوده و برخی محققین در مجال تحقیق به آن «اصول ثانویه» اطلاق کرده‌اند اشاره نموده، می‌گوید: «آنچه امثال مصححین قبلی همچون علامه نصر هورینی و استاد قطه عدوی و خاورشناسان بزرگ وثقه‌ای امثال وستفالد آلمانی، گایر آلمانی، بیوان هلندی و لیال انگلیسی تصحیح نموده، انتشار داده‌اند، شایسته‌اند اصول ثانویه تلقی شوند؛ زیرا روایات این افراد که مربوط به این اصول بوده، روایاتی است که در مقابله متون به کار می‌آیند؛ زیرا اینها به منزله‌ی روایان ثقه بوده و روایت‌شان به منزله‌ی آنچه محدثین گویند، درست و صحیح است».^{۲۰}

تالیفات استاد

اسامی آثار و رسایل وی و معرفی آنها در پاره‌ای از کتب تراجم و فهارس از جمله الاعلام، معجم المؤلفین، تاریخ الادب العربی (بروکلمان)، اکتفاء القنوع، هدیة العارفین، ایضاح المکنون، معجم المطبوعات العربیه والمعربیه، فهرست کتاب‌های عربی در موزه بریتانیا (انگلیسی)، فهرست دارالکتب المصریه و فهرست المکتبة الخدیویه آمده است:

مشخصات آثار استاد بدین قرار است:

۱. المطالع النصرية للمطابع المصرية في الاصول الخطیة. کتابی است در رسم الخط و شامل یک مقدمه، متن و خاتمه است. در سال ۱۲۷۵ هـ و ۱۳۰۲ در بولاق چاپ شد و در سال ۱۳۰۴ هـ در چاپخانه خیریه قاهره انتشار یافت.^{۲۱}
۲. شرح العینین فی شرح عنین. تاریخ پایان نگارش آن در ماه ربیع الاول سال ۱۲۷۸ هـ بوده است. در آغاز این کتاب آورده است: این اثری است تعلیقی که در ایام اشتغال به درس عربی در الازهر نگاشته شده است ... از این کتاب نسخه‌ای خطی در دارالکتب المصریه موجود است و برخی توضیحات بر هامش آن نوشته شده است.^{۲۲}
۳. تقييدات الهورینی علی رسالة الشيخ الیوسی فی المجاز. که آن را برخی از شاگردان استاد نصر جمع‌آوری کرده‌اند. در دارالکتب المصریه نسخه خطی آنها موجود است و بر آن برخی توضیحات مندرج است.^{۲۳}

۱۵. تاریخ التعلیم فی عصر محمدعلی؛ ج ۳، القاهرة، ۱۹۳۸، ص ۳۴۳-۳۴۵.

۱۶. همان، ج ۳، ص ۳۴۵.

۱۷. الازهر واثره فی النهضة الادبیه الحدیثه؛ الطبعة الثانية، القاهرة، ۱۹۶۵، ص ۸۸-۸۹.

۱۸. الجاسوس علی القاموس؛ قسطنطینیه: مطبعة الجوائب، ۱۲۹۹ هـ، ص ۴۰۴.

۱۹. تحقیق النصوص و نشرها؛ الطبعة الثانية، القاهرة، ۱۹۶۵، ص ۴۹.

۲۰. همان، ص ۲۹-۳۰.

۲۱. فهرست دارالکتب المصریه؛ القاهرة، ۱۹۲۶، ج ۲، ص ۶۸.

۲۲. همان، ج ۲، ص ۱۷.

۲۳. همان، ج ۲، ص ۱۸۳.

نیسابوریه، عبدالاول سجزی، احمد بن کمال الدین، عیسی بن سنجر و احمد بن قحطان اربلی جمع آوری کرده است. ۲۲
 ۱۳. حاشیه علی الفیه ابن معط. ۳۳ بروکلیمان به آن اشاره کرده، چاپ آن را در چاپخانه بولاق به سال ۱۲۹۴ هـ گزارش کرده است.

تصحیحات استاد

فهرست کتب چاپ شده عربی در کتابخانه موزه بریتانیا (لندن)، لیست کاملی از اساسی کتب تراث عربی ای که استاد نصر به تصحیح آن اقدام کرده و شامل ۳۳ عنوان می شود به دست داده است. ۲۴ چاپ این کتاب ها در چاپخانه بولاق قاهره بین سال های ۱۸۵۵ تا ۱۸۶۸ م به انجام رسیده است و شامل موضوعات متنوعی در علوم دینی و لغت و ادبیات می شود که خود بیانگر وسعت علمی استاد و فضل و همت والای اوست. اسامی این کتاب ها طبق گزارش لیست کتابخانه، بدین قرار است:

۱. فقه اللغة، از ثعالبی، قاهره ۱۸۶۷؛
۲. الوشاح از مغربی تادلی، قاهره ۱۸۶۵؛
۳. الاتقان فی علوم القرآن سیوطی ۱۸۶۳؛
۴. کشف الغمه از شعرانی، قاهره ۱۸۶۵؛
۵. وفيات الاعیان ابن خلکان، قاهره ۱۸۶۵؛
۶. شفاء الغلیل اثر خفاجی، قاهره ۱۸۶۲؛
۷. المصباح المنیر فیومی، قاهره ۱۸۶۱؛
۸. الاغانی ابوالفرج اصفهانی، قاهره ۱۸۶۸؛
۹. المزهر فی علوم اللغة اثر سیوطی، قاهره ۱۸۶۵؛

۲۴. همان، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲۵. همان، ج ۲، ص ۱۹۳.

۲۶. فهرست دار الکتب المصریه؛ ج ۳، ص ۶۲.

۲۷. معجم المطبوعات العربیه والمعربه؛ ج ۲، ص ۱۹۰۳.

۲۸. الاعلام، ج ۸، ص ۳۵۱.

۲۹. همان.

30. Descriptive Catalogue of the Garrett collection of Arabic Manuscripts in the Princeton university library, Princeton, 19-8.p.2.

۳۱. مسجدالدین الفیروز آبادی؛ القاموس المحيط، القاهرة، ج ۱، ۱۹۹۱، ص ۲-۲۹.

۳۲. ابن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ۱۳۱۰ هـ، ص ۴۲۱-۴۲۴.

33. Brockelmann: Geschichte der Arabischen Litteratur, Leiden, 1973-21942, S.I.P.524; S.II.p.446.

۳۴. تعداد کمی از این کتاب ها از جمله اغانی و تاج اللغة صرفاً جلد اول یا اول و دوم آنها را تصحیح نموده است.

۴. رسالة فی المؤلف والمختلف من اسماء الرواة فی کتب الحدیث. ۲۴

۵. حاشیه علی بسمله الاحراز فی انواع المجاز از علامه شیخ احمد بن احمد بن محمد سجاعی (متوفای ۱۱۹۷ هـ) نسخه ای از آن با خط مؤلف به سال ۱۲۷۰ ق در ضمن مجموعه ای خطی در دارالکتب المصریه به شماره ۲۶۶ (مجامیع) یافت می شود. ۲۵

۶. تسلیة المصاب عن فراق الاحباب. آغاز آن: «الحمد لله الذی خلق الموت والحیة لیبلوکم یکم احسن عملاً». در این اثر، آیات قرآنی و آثار نبوی و وقایع نادری که در مورد برخی از صحابه و بزرگان وارد شده، جمع آوری شده است. در دارالکتب المصریه، دست نوشته ای از آن به خط مؤلف، موجود است و در هامش آن توضیحات زیادی مندرج است. هورینی این کتاب را در پاریس در سال ۱۲۶۱ تألیف کرده است. ۲۶

۷. مختصر من کتاب روض الریاحین فی حکایات الصالحین للیافعی. در سال ۱۲۸۱ در چاپخانه کاستلیه قاهره و در سال ۱۳۱۵ هـ در چاپخانه علمیه به چاپ رسیده است. ۲۷

۸. تفسیر سوره الملک (خطی). ۲۸

۹. التوصل لحل مشاكل التوصل (خطی). ۲۹

۱۰. التحریرات النصریه علی شرح الزیدونیه. در کتابخانه دانشگاه پرینستون در مجموعه کاریت، مخطوطی از این کتاب نگهداری می شود؛ با این مشخصات: شماره ۱۹۲، تعداد اوراق ۴۶ ورقه، در هر صفحه ۲۳ سطر، اسم ناسخ آن یوسف عربشاه هورینی. آغاز کتاب: «اما بعد فانی لما طالعت شرح ابن نباته علی الرسالة ...». آخر رساله: «وقدمت هذا الكتاب يوم الجمعة المبارك ۲۳ شهر جمادى الاولى سنة ۱۲۸۲ هـ». ۳۰

۱۱. شرح دبیچه القاموس. این شرح همراه با فواید شریفه فی معرفة اصطلاحات القاموس در مقدمه القاموس المحيط فیروز آبادی به چاپ رسیده است. ۳۱

۱۲. ترجمه ابن خلکان که در پایان جزء دوم کتاب وفيات الاعیان ابن خلکان، مندرج است. شرح حال ابن خلکان را استاد نصر از ترجمه شاکر کتبی از ابن خلکان در کتاب الوفيات از خود اخبار ابن خلکان در کتابش در ترجمه های ام مؤید

ارزیابی تلاش او در تصحیح کتب تراث

از این فهرست درمی یابیم که این دانشمند جلیل با ارائه چنین کارهای مفیدی، سهم بزرگی در احیای تراث عربی و اسلامی و تأکید بر اصالت این ملت و تحکیم ریشه های فرهنگی و فکری آن، داشته است و کتب علمی و ادبی در زمانی که تألیفات ارزشمند و تصحیح شده و مطبوع، کم و مورد نیاز شدید بوده، به آسانی در اختیار اهل علم قرار گرفت و این کار علمی و تراثی بسیار ارزشمند، مورد تمجید پژوهشگران واقع شد.

عبدالسلام هارون، پژوهشگر و محقق، در ارزیابی تلاش های چاپخانه بولاق و ستایش کار آن می نویسد: «تلاش های چاپخانه بولاق در نشر کتب میراث، روشن است... نمی دانم وضعیت چگونه می شد اگر چنانچه این چاپخانه از آغاز به چاپ و انتشار این دست کتاب ها اقدام نمی کرد. شاید در این صورت، چهره فرهنگ و تمدن عربی معاصر که همواره در مقابل صدمات پیاپی استعمار و توطئه فرهنگی ای که ابنای امت عربی در درخشندگی کاذب آن چرخ می خوردند، تغییر می یافت» و در ادامه می افزاید: «حافظه تاریخ، اسامی اساتید معظمی که در حد توان علمی و روش ساده خود با رعایت امانت در احیای این کتاب ها کوشیده اند، برای ما حفظ کرده است. از جمله اینها استاد نصر هورینی، استاد قطه عدوی، استاد محمد حسینی، استاد طه محمود و استاد محمدرسول و غیره، هستند».^{۳۶}

استاد «فقی» به ارزش کارهای هورینی در تصحیح کتب اشاره کرده، کوشش و رنج فراوان وی را در راه صیانت این کتاب ها از خطاها و تحریف و تصحیف و تقدیم و تأخیر، بر شمرده است. در این زمینه به تلاش وی در تصحیح القاموس المحيط و شرح دیباچه آن و بیان اصطلاحات و آوردن تعلیقات در مدخل های آن و نیز تصحیح بخش عظیم کتاب المزهر سیوطی اشاره کرده است. آنچه را هورینی در مورد تصحیح المزهر گزارش کرده، یعنی مقابله نسخه های مختلف کتاب و استعانت از کتب دیگر لغوی در مقابله و تصحیح آن و به کارگیری رموز در این کار را نقل کرده است.^{۳۷} همچنین به روش محکم و کثرت علم و نیت خالصانه هورینی در این کارها، اشاره نموده است.

35. A.G.ELLIS: Catalogue of Arabic Books in the British Museum, Great Britain.1910,2:421-425.

۳۶. احیاء التراث و ماتم فیه؛ پیشین، ص ۲۱.

۳۷. الازهر واثره؛ پیشین، ص ۹۰-۹۱.

۱۰. فضائل شهر رمضان از اجهوری، قاهره ۱۸۶۸؛
۱۱. حاشیه الکفر اوی علی مقدمه ابن اجرهم، قاهره ۱۸۶۵؛
۱۲. نهایه المتحفظ از ابن الاجدابی، قاهره ۱۸۷۰؛
۱۳. مختصر تذکره الامام السویدی، از شعرانی، قاهره ۱۸۶۳؛
۱۴. تاج اللغة، اثر جوهری، قاهره ۱۸۶۵؛
۱۵. حاشیه حسن العطار علی شرح الازهریه، قاهره ۱۸۶۴؛
۱۶. حاشیه محمد جاهد علی مقدمه ابن اجرهم، قاهره ۱۸۶۴؛
۱۷. شرح المعلقات زوزنی، قاهره ۱۸۶۰؛
۱۸. شرح الزرقانی علی صحیح الموطا، قاهره ۱۸۶۳؛
۱۹. المتسطف فی کل فن مستظرف، از ابشهی، قاهره ۱۸۶۳؛
۲۰. الاقناع، از خطیب شربینی، قاهره ۱۸۶۵؛
۲۱. الدر المختار للحصکفی مع شرح محمد امین بن عابدین، قاهره ۱۸۵۵؛
۲۲. دیوان محمد بن هانی، قاهره ۱۸۵۸؛
۲۳. حلیة الکمیت نواجی، قاهره ۱۸۵۸؛
۲۴. فتح القریب المجیب للغزی مع شرح الباجوری، قاهره ۱۸۶۴؛
۲۵. فوات الوفیات، اثر ابن شاکر کتبی، قاهره ۱۸۶۶؛
۲۶. تعبیر الرویا، از ابن سیرین، قاهره ۱۸۶۴؛
۲۷. القاموس المحيط، از فیروزآبادی، قاهره ۱۸۶۳، ۱۸۷۲، ۱۸۸۴؛
۲۸. متن السنوسیه، قاهره ۱۸۶۳؛
۲۹. سفینة الراغب از محمدرآغب پاشا، قاهره ۱۸۶۶؛
۳۰. تنزیل الآیات علی شرح شواهد الایات از محب الدین افندی، قاهره ۱۸۶۴؛
۳۱. الفتاوی العالمکیریه، از شیخ نظام الدین، قاهره ۱۸۶۵؛
۳۲. صحیح سنن المصطفی، از سلیمان بن اشعث سیستانی، قاهره ۱۸۶۳؛
۳۳. الدررة المزیئه از ابن عبدالهادی، قاهره ۱۸۶۸. ۳۵

محمد علی؛ القاهرة، ۱۹۳۸.

۱۱. الغزراوی، عباس، تاریخ الادب العربی فی العراق؛ بغداد، ۱۹۶۰-۱۹۶۲.

۱۲. الفقی، د. محمد کامل؛ الازهر و اثره فی النهضة الادبیه الحدیثه؛ الطبعة الثانیة، القاهرة، ۱۹۶۵.

۱۳. فندیک، ادوارد؛ اکتفاء القنوع بما هو مطبوع من اجل التالیف العربیه فی المطابع الشرقیه والغریبه؛ تصحیح السید محمد علی البیلاوی؛ القاهرة، ۱۸۹۶.

۱۴. الفیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب؛ القاموس المحیط؛ القاهرة: المطبعة الحسینیة، ۱۹۱۱.

۱۵. فهرس دار الکتب المصریه؛ القاهرة: مطبعة دارالکتب المصریه، ۱۹۲۶-۱۹۳۰.

۱۶. کحاله، عمر رضا؛ معجم المؤلفین، دمشق، ۱۹۵۷.

۱۷. مبارک، علی؛ الخطط التوفیقیة؛ الطبعة الثانیة، القاهرة: دارالکتب المصریه، ۱۹۶۹.

۱۸. المنجد، صلاح الدین؛ قواعد تحقیق المخطوطات؛ الطبعة الثالثة، بیروت: دارالکتب الجدید، [بی تا].

۱۹. عبدالسلام هارون؛ تحقیق النصوص و نشرها؛ الطبعة الثانیة، القاهرة، ۱۹۶۵.

۲۰. احیاء: «التراث وماتم فیه»؛ مجله «المجلة» العدد ۱۱۴، القاهرة، ۱۹۶۶.

21. Brockelman, Carl; Geschichte der Arabischen Litteratur, Band I-II, Leiden 1943-1949 und suppl. I, III, Leiden, 1973-1942.

22. Ellis, A.G; catalogue of Arabic Books in the British Museum, Great Britain, 1901.

23. Hitti. Philips, Nabih Amin Faris and Butrus Abd al-Malik; Descriptive catalogue of the Garrett collaction og Arabic Manus cripts in the princeton university library, Princeton, 1938.



۳۸. ر. ک به: صلاح الدین المنجد؛ قواعد تحقیق المخطوطات؛ الطبعة الثالثة، بیروت، ص ۵.

۳۹. همان.

۴۰. تحقیق النصوص و نشرها؛ پیشین.

در پایان این ارزیابی می گویم: اگر چنانچه غایت تحقیق و تصحیح کتاب ها از دیدگاه معاصرین «ارائه متنی صحیح»،^{۳۸} از یک کتاب مصحح، بر اساس «قواعدی که در اخراج متن، ضامن امانت بوده و متضمن این باشد که متن انتشار یافته مانند صورت اولیه اش باشد»^{۳۹} و اگر چنانچه «معنای تصحیح این باشد که کتاب انتشار یافته تا حد امکان بیانگر صادقی از آنچه مؤلف عرضه داشته است، باشد»،^{۴۰} بنابراین، این تصحیحی که مصححان گذشته در مورد کتب خطی میراث به کار گرفتند و به کتاب ها حیات جدیدی در عالم مطبوعات بخشیدند و با آگاهی و دقت و امانت ورزی کار کردند، چیزی جز همین تصحیح علمی ای که امروزه ما می شناسیم، نخواهد بود و بلکه کار آنها بعضاً بهتر و شایسته تر از کارهای برخی محققانی است که در مقوله تصحیح، هدف و غایت این علم را به درستی درک نکرده اند؛ یعنی بازیابی و انتشار کتاب به صورت اولیه اش و ادای صادقاته آن به گونه ای که مؤلف آن عرضه داشته است.

منابع

۱. البغدادی، اسماعیل باشا بن محمد امین؛ ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون؛ استانبول، ۱۹۴۵.
۲. هدیة العارفين اسماء المؤلفین و آثار المصنفین؛ استانبول، ۱۹۵۱-۱۹۵۵.
۳. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبداللہ؛ کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون؛ استانبول، ۱۹۴۱-۱۹۴۳.
۴. ابن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ القاهرة، ۱۳۱۰.
۵. رضوان، ابوالفتح؛ تاریخ مطبوعه بولاق و لمحہ من تاریخ الطباعة فی بلدان الشرق الاوسط؛ القاهرة، ۱۹۵۳.
۶. الزرکلی؛ الاعلام - قاموس تراجم؛ بیروت، ۱۹۶۱.
۷. زیدان، جرجی؛ تاریخ آداب اللغة العربیه؛ بیروت: دارالمکتبة الحیة، ۱۹۷۸.
۸. سرکیس، یوسف الیان؛ معجم المطبوعات العربیه والمعریه؛ القاهرة، ۱۹۲۸.
۹. الشدیاق، احمد فارس؛ الجاسوس علی القاموس، قسطنطنیه، ۱۲۹۹ هـ. ق.
۱۰. عبدالکریم، احمد عزت؛ تاریخ التعلیم فی عصر